

اگر موکل به چند نفر وکالت داد

حالت بالاجتماع (اجتماعی)
ولا یکدیگی (نارسممت) دارند

~~اثبت نه~~
اتفاق اراء دلاله نیاز است
حکم باجم

که اگر بدون موافقت وکلاي دیگر

انجام دهند غیر نافذ
لکه تنفذ لازم است
یا موکل

حالت بالاستقلال (استقلالی)
هر دیکل، به بنهای دارای است

که هر دیکل رؤسای تواند اقدام کنند (تسیم بکیر)

درجات بالاستقلال - هر کس راساً بداند اقدام کند

اگر تسود جمع کرد - هر کدام زودتر اقدام کرد - ملامت است

زمان هر ۱ اقدام نامعلوم - هر ۲ کار
تقدم و تأخر نامعلوم

زمان یکی معلوم یکی مجهول - معلوم ملامت است
تقدم و تأخر نامعلوم

چون بر اساس اصل تأخر حادث، زمین و کیمبرل مجهول بعداً اتفاق افتاده

«الف» با سند عادی در تاریخ مشخص، آپارتمان خود را به شخص «ب» اجاره می‌دهد، شخص دیگری با

ارائه سند عادی، مدعی است همان آپارتمان را با سند عادی اجاره کرده است. کدام مورد، صحیح است؟

(۱) قراردادی که تاریخ آن معلوم است، مؤخر فرض می‌شود. ✗

(۲) در همه موارد، قراردادی که تاریخ آن معلوم است، مؤخر فرض می‌شود. ✗

(۳) در همه موارد، قراردادی که تاریخ آن مجهول است، مؤخر فرض می‌شود. ✗

(۴) چنانچه با قرائن و شواهد، تقدم و تأخر هیچ‌کدام از دو قرارداد مشخص نباشد، قراردادی که تاریخ آن مجهول است، مؤخر فرض می‌شود. ✓

دلیل

اجاره (قرائن)

اصل

اصل تأخر حارت

فرض می‌کنیم مجهول بعداً اتفاق افتاده
مُرْخَر است

از کجا نفہیم وکلا اجتہادی یا استقلالی

→ پہلے ارل سے کہ ان سے درباردار تفریح شدہ

→ پہلے دوم سے فرائن

شلا اردو ۲ وکالت نامہ جدا گانہ
وکالت دادہ شدہ سے فرینہ بر استقلالی
==

→ پہلے سوم سے اصل پر اجتہادی بودن

وکلای استقلالی

فوت یا تحریر ریل تأثیری در وکالت دیران ندارد.

فوت یا تحریر ریل در حالت بالا اجتماع

می شود.

که وکلا به بافتت یا تحریر ریل، وکالت سایر وکلا منفع

به مترلیان بالا اجتماع به ضم این به حاکم شخصی را صمیمه سایرین می زند تا

با ایشان مجتماً لغت نمایند.

اداره

قانون سات

ارضاء مصدر بالا اجتماع

دستر کاتوزیان به ضم این به مترلیان

مدیران لغت بالا اجتماع به بافتت یا تحریر ریل مدیران هم از این ی رد

مضاربه



عقد

یک طرف سرمایه‌ی دهنده مالک سرمایه

طرف دیگر، تجارت می‌کنند ← مضارب (عامل)

در سود شریک

به نسبت حصین

جزء شاع

۵. ۵. ۷. ۲.

$\frac{2}{3}$ $\frac{1}{3}$

حصه باید معین شود - من العقد

در عرف منجزاً علوم

کم جزع

یا

+

در صورت سکوت عقد صفت به آن رسد

هر ۲ با هم

✓

منجزاً علوم و انصراف

انصراف به جهت رت استعمال

والا مضاربہ باطل

در مضاربہ، سرمایہ حتماً باید وجه نقد باشد

لازم نیست وجه رایج باشد.

س
بدیه، لازم
بطل آزادی

دلار
- یورو
ریال

مضاربه = عقد جاز اذنی

هم اذن هم سر حُصمه اذن باید در ملل صیات عقد مسخر باشند

اصل

در مضاربه لازم نیست مدت تعیین شود.

ولی می شود مدت گذاشت

که در این مدت هم عقد مضاربه جاز است.

اگر مدت تعیین کردند = با انقضاء مدت، مضاربه منفسخ می شود.

مصارفہ

پہلے اول سے اگر تجارت خامی شرط بندہ پابند ہے ہمان

میں نوع تجارتی ہے

پہلے دوم سے ہر قسم تجارت بہ عامل دلس (مصارفہ)

بجو اندر سے فتوا شروع پابند .

صفا رہے عقد است

آہ احلیٰ طریق لازم است

عقل، بلوغ، رشد.

موارد انشاع صفایه

① فدت یا حجر یکی از طریقین

② ورثتگی مالک سرمایه

(مُفَلِّس)

ورثتگی عامل (مُضَارِب) به صفایه دارجا

تأثیری ندارد

③ تلف شدن تمام سرمایه و ربح سرد

④ در صورت غیر ممکن شدن تجاری مد نظر طریقی بوده
بعد از عقد غیر ممکن شده

مثلاً تجارت مد نظر به واردات خود را

بعد از عقد به واردات خود را ممنوع شود

اگر حین العقد تجارت مد نظر غیر ممکن باشد
مضارب باطل

۱۳- اگر در عقد مضاربه لازم باشد مضارب طرح دعوی نماید و او که خود، وکیل دادگستری است دعوای مزبور را اقامه کند، تکلیف حق الوکاله او چیست؟

- (۱) حق الوکاله طبق تعرفه بر عهده مالک سرمایه است مگر آنکه به کمتر توافق شده باشد.
 - (۲) حق الوکاله طبق توافق بر عهده مالک سرمایه است و اگر توافقی نباشد، به میزان تعرفه بر عهده مالک سرمایه است.
 - (۳) حق الوکاله به میزان تعرفه از سود حاصل از مضاربه کسر می شود مگر وکالت تبرعی باشد.
 - (۴) حق الوکاله ای به او تعلق نمی گیرد.
- 

۵۵۶ ← پد مضارب ← امانی (زارداری)

ضامن تلف یا نقص نیست مگر نقدی و تنزیل (تقصیر)

از جیب مالک سرطاب و رفته

۵۵۸ ←

شرط ضمان بنی سود .

یا
بنی سود شرط رد، مضارب خاص سرمایه باشد.

یا
ضارت حاصله از تجارت، متوجه مال سرمایه نباشد.

والّا هم شرط باطل هم مطلق عقد مضارب

اگر شرط کنند

از خانه بیادرد

صنایع از مال خود، به مقدار خسارت یا تلف

مجاناً به مالک تملیک کنند - صحیح است

ماده ۵۵۴

مضارب ، حق دالذاری ندارد

انتقال جایگاه قرارداری

مضارب حق مضاربه مجدد ندارد. مگر با اجازه مدد

حق توکیل به غیر در عداکات

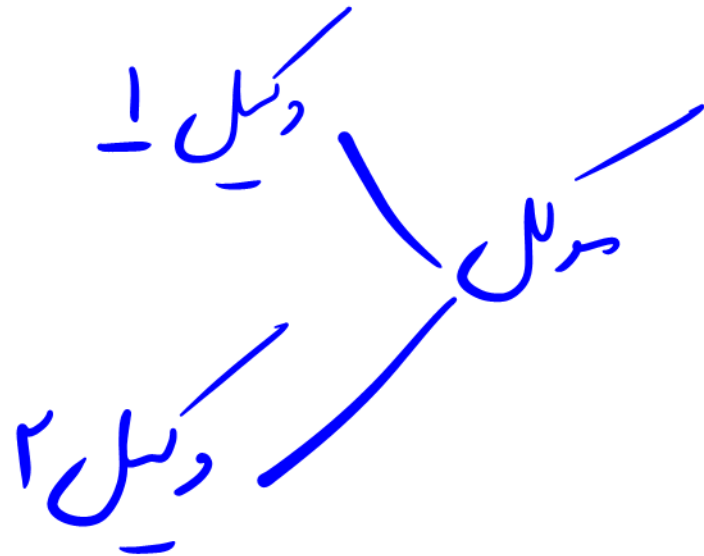
اگر دلیل حق توکیل دائمه باشد.

اگر دلیل با حق توکیل، دلیلی برای خود بریزند

موکل عداکات ۱ دلیل ۱ عداکات ۲ دلیل ۲

دلیل ۱، مستقیم به موکل وصل نیست. اگر دلیل ۱ سمت خود را
از دست دهد، دلیل ۲ هم دیگر سمتی ندارد.

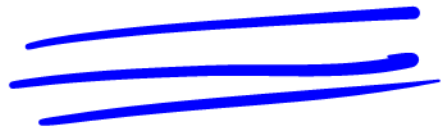
اگر دلیل، با حق دلیل، دلیلی برای موکل اشتغال بند



دلیل ۱ مستقیم به موکل وصل است

سواء از بهر دلیل، دلیل ۱ است خود را از دست دمو، دلیل ۲
سرجاس

اگر دلیل، با حق توکیل خود، وکالت را تفویض کنند



موکل ————— دلیل ۱

جایگزینی را می‌دهد به دلیل ۲

سو
دلیل ۱ ستمی ندارد.

۱۱- شخصی برای پیدا کردن مال مفقوده‌ای به شخص دیگر وکالت در انشای جعاله را می‌دهد. اگر وکیل جعاله را خطاب به یک مؤسسه یا بنده اشیای مفقوده انشا کند و سپس رجوع کند چه تأثیری دارد؟
(۱) اثری بر این رجوع مترتب نیست.

(۲) با رجوع پرداخت اجرت المثل اقدامات انجام شده بر عهده وکیل است.

(۳) با رجوع پرداخت اجرت المثل اقدامات انجام شده بر عهده موکل است.

(۴) با رجوع پرداخت جعل مقرر متضامناً بر عهده وکیل و موکل است.

وکالت به انشای جعاله

اصل عدم نیابت

برای رجوع نیابت ندارد.

اگر وکیل با برخورداری از حق توکیل و در راستای آن، وکیلی برای خود برگزیند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) وکیل دوم باید به نحو بالاجتماع با وکیل اول اقدام کند.

(۲) در صورت فوت وکیل اول، سمت وکیل دوم زایل می شود.

(۳) تا بقای وکالت وکیل اول، وکیل دوم قابل عزل نیست.

(۴) با توکیل به وکیل دوم، سمت وکیل اول زایل می شود.

(نویسنده)

(موکل ————— وکیل ۱ ————— وکیل ۲)

وکیل ۱ ————— مستقیم به موکل وکیل نیست

به هر دلیلی، وکیل ۱ سمت را از دست بدهد، وکیل ۲ هم سمت ندارد

درجہ فرار دارہا

والذاری (انتقال جاگاہ فرارداری)

لے اصولاً بدون رضای طرف مقابل امکان پذیر نیست.

لے استثناء: ماده ۱۹ قانون رابطہ صحرایی دسمبر ۵۶

تجویز دارگاہ

عقد ردیه ← عقد جانی ازنی

لے یک طرف مال خود را بہ دیری می دهد

تا طرف دیگر عجباً نلہداری کند.

رہنایہ در نلہداری جانی از مال

مستودع (امین)

مودع

ودیعہ ← عقد رضایی ایجاب + قبول

قبضہ شرط صحت عقد نیست

مردع ← مالک مال
قائم مقام مالک
مأذن از طرف مالک

دیده ← عقد است

(۶۱۰)

۱- اصل هر طرف عقد

عقل بلوغ رشد

اگر مودع اہلیت نہ داشت و طرف دین مال را بگوید بہ سرنندہ

ضمائی

(کسی کہ قبول کردہ) باید مال را بہ دلی یا قسم بدهد۔

بہ سرنندہ ہے ضمائی

لہ معوتِ مطلق

محول تلف یا نقص است حتی اگر نقص نکرده باشد۔

اگر مردع حین العقد املیت داشت

بعداً املیت را از دست دار ^{می شود} عقد دریده منتفع
(مثلاً مجنون شد) (چون دریده جایز اذی)

مستردع ^{باید} مال را به نایم بدهد.

اگر مسترد اصلی داشت
(این)

محبون یا صغیر غیر محزون

ماره ۱۲۱۵ ← هر کس مال خود را به تصرف صغیر غیر محزون
بدهد، صغیر یا محزون مسئول تلف یا نقص نیست

قاعده اقدام

اگر مستودع حین العقد املی داشت

بعداً املی را از دست بدهد به عقد وریه منفسخی شود.

جایز اذنی

شلاخون شود

قیمت امین، باید مال را به مردع پس بدهد.

صَدِّیْقِ مَسْتُورِ (امین)



بِه مَسْتُورِ امانی است ، سَدِّیْقِ مَسْتُورِ

مَسْتُورِ مَسْتُورِ

زارداری ہے با مطالبہ ملک و امتناع یا امکان رد
بدی سود صمانی

بدامانی

مانزی (سوی) ہے بہ محض دسرسی بہ ملک

باید مال را بہ اود بددد الا بد صمانی

تعهدات این (مسترد)

لکه مال مورد و دینه را همان طوری که مالک مقرر کرده حفظ کنند
و الا ضامن

اگر ترتیبی نباشد به حکومتها

اگر این تغییر نحوه حفاظت را لازم بدانند

می توانند تغییر دهد به مگر مالک صریحاً نهی کرده باشد

در تغییر دهنده ضامن است -

بازگرداندن مال
(رد)

← نقد به نسیه

لم فقط ندره تامر، معافی نند

← در نهداری مال ← نقد به وسیله

در بازگرداندن مال ← نقد به نسیه

← مثلت این ←

دلیل دادرسی

در زمین رأی — تعهد به دلیل —

تربت در محلات دادرسی

نگهدار نظر ضوابط در محلات

اعراض به نظر کارشناس

تعهد به نتیجه

کود قاعده رعایت می کنند

ماده ۶۷

حق کسب

که این

حق انتفاع

از مال را ندارد

مدر اجازه ایست

افضی

از مال

والا ضامن است.

ماره ۶۱۸

که اگر مال مورد دیدم - در پالت فخرم
یا
در بسته

این حق ندارد باز کنند والا ضامن است

